

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ستایش

یاد تو

افتتاحیه

✻ کتاب را با نام و یاد خداوند متعال آغاز می‌کنیم. «یاد تو» عنوان هفت بیت شعری است که از ابتدای کتاب «لیلی و مجنون» حکیم نظامی گنجوی انتخاب شده است. در ادامه بخشی بسیار کوتاه از مناجات «خواجه عبدالله انصاری» را که در «الهی نامه» نوشته است می‌خوانیم.

نام	قرن	آثار	نکات بیشتر
نظامی گنجوی (حکیم ابو محمد یوسف)	ششم و اوایل هفتم	✻ مخزن الاسرار ✻ خسرو و شیرین ✻ لیلی و مجنون ✻ هفت پیکر ✻ اسکندرنامه	✻ در شهر «گنجه» از شهرهای امروزی جمهوری آذربایجان به دنیا آمد. ✻ در جوانی به تحصیل ادب، قصص و تاریخ پرداخت. ✻ داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. ✻ به مجموعه پنج کتاب او «خمسۀ نظامی» می‌گویند.
خواجه عبدالله انصاری	پنجم	✻ مناجات‌نامه ✻ الهی‌نامه	✻ او به «پیر هرات» معروف است و در هرات به دنیا آمده است. ✻ در جوانی علوم دینی و ادبی را فرا گرفت. ✻ به عربی و فارسی شعر می‌سرود. ✻ نثر خواجه عبدالله آهنگین (مسجع) است.

واژگان

یاد تو	هستی: وجود، زندگی	الهی: خدای من (منادا)
مونس: همدم، یار	درازدستی: ستمگری، زورگویی	دست‌آویز: چاره، آنچه از او کمک گیرند.
روان: روح، جان	نانموده: آشکارنشد، پنهان	توفیق: سازگاری، موافقت، کمک کردن
کارگشا: حل‌کننده مشکلات، آسان‌کننده کارها	عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان	پریشان: ژولیده، پراکنده، سرگردان، آشفته
هست‌کن: آفریننده، به‌وجود آورنده	الهی: خدایی (صفت نسبی)	
اساس: پایه، بنیاد	ظلمت: تاریکی	

واژگان املائی

یاد تو

ستایش - سرآغاز - مونس و همدم - روح و روان - کارگشا - هست‌کن و آفریننده - اساس و بنیاد - هستی و وجود - کوتاه و بلند - درازدستی و ستمگری - قصه و داستان - عنایت الهی - ظلمت و نور - نظامی گنجوی - دست‌آویز - توفیق و موافقت - الهی‌نامه - خواجه عبدالله انصاری

از متن تا معنی

یادتو

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز؟

معنی: ای خداوندی که نام تو بهترین آغاز برای هر کاری است. من هرگز هیچ کاری را بدون نام تو آغاز نمی‌کنم.

آرایه‌های ادبی: کنایه: نامه باز کردن کنایه از کاری را شروع کردن است.

دستور زبان: «ای» حرف ندا است و منادای آن، «خداوند» حذف شده است. ❖ بیت، سه جمله است: ای [خداوند] (۱) نام تو بهترین سرآغاز [است] (۲) بی نام تو نامه کی باز کنم (۳) ❖ مصراع دوم «استفهام انکاری» است.

نکته: «استفهام انکاری» سؤالی است که پاسخ آن منفی است و در واقع قصد گوینده از استفهام، سؤال پرسیدن نیست بلکه می‌خواهد بر پاسخ سؤال خود تأکید کند. برای مثال در مصراع «بی نام تو نامه کی کنم باز؟» قصد شاعر بیان این مفهوم است که «همه کارهایم را فقط با نام تو آغاز می‌کنم».

ای یاد تو مونس روانم
جز نام تو نیست بر زبانم

معنی: ای خداوندی که یاد تو، همدم و یار روح و جان من است و من فقط ذکر تو را می‌گویم و نام تو را بر زبان می‌آورم.

آرایه‌های ادبی: تکرار: تو

دستور زبان: «ای» حرف ندا است و منادا حذف شده است. ❖ فعل «است» در پایان مصراع اول حذف شده است. ❖ نهاد مصراع دوم حذف شده است. «روان» اگر به معنای «روح» باشد، واژه ساده است و اگر به معنای «جاری و رونده» باشد، واژه غیرساده مشتق است ← رو (بن مضارع رفتن) + ان

ای کارکشای هرچه بستد
نام تو کلید هرچه بستد

معنی: ای حل‌کننده مشکلات همه موجودات عالم، نام تو مانند کلیدی قفل مشکلات را باز می‌کند و آنها را حل می‌کند.

آرایه‌های ادبی: تشبیه: نام تو به کلید تشبیه شده است. ❖ تکرار: هرچه

دستور زبان: فعل «است» در پایان مصراع دوم حذف شده است. ❖ نام تو کلید هرچه بستد، [است] ← نام تو: نهاد

ای هست کن اساس هستی
کوته ز دت درازستی

معنی: ای آفریننده جهان در درگاه تو ظلم و ستمگری وجود ندارد.

آرایه‌های ادبی: کنایه: درازدستی کنایه از ستمگری و زورگویی ❖ واج‌آرایی: تکرار حرف «س»

دستور زبان: در مصراع اول شبه جمله و «هست کن» منادا است. ❖ فعل مصراع دوم حذف شده است: درازدستی ز دت کوتاه [است] ❖ «هست کن» یک واژه غیرساده مرکب است. ❖ کوتاه ← مخفف «کوتاه» ❖ اساس هستی ← ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

هم قصه نانموده، دانی
هم نامه نانوشته، خوانی

معنی: خداوند، تو از همه چیز آگاهی هم از آنچه پنهان است (قصه نانموده) و هم از آنچه هنوز اتفاق نیفتاده است. (نامه نانوشته)

آرایه‌های ادبی: تکرار: هم ❖ مراعات نظیر: نامه، نانوشته، خواندن ❖ واج‌آرایی: تکرار حرف «ن»

دستور زبان: «هم»، قید است. ❖ «قصه نانموده» و «نامه نانوشته» مفعول هستند. ❖ «دانی» و «خوانی» فعل‌های مضارع (حال) هستند. ❖ بیت، دو جمله است و نهاد هر دو جمله (تو) حذف شده است:

[تو] هم قصه نانموده دانی (۱)

[تو] هم نامه نانوشته، خوانی (۲)

هم تو به عنایت الهی آنجا قدم رسان که خواهی

معنی: خداوند، با لطف و بخشایش خدایی خود مرا به جایی برسان که خودت به خیر و صلاح برایم می‌خواهی.

دستور زبان: بیت دو جمله است: هم تو به عنایت الهی آنجا قدمم رسان (۱) که خواهی (۲) ❖ «رسان» فعل امر و «خواهی» فعل مضارع است. ❖ «قدمم» مفعول است. ❖ «عنایت الهی» ترکیب وصفی است.

از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

معنی: خدایا، مرا از تاریکی، نادانی و گناهانم نجات بده و با نور معرفت خود آشنایم کن.

آرایه‌های ادبی: تضاد: ظلمت و نور ❖ تکرار: خود

دستور زبان: ضمیر «خود» در مصراع اول به شاعر (انسان) و در مصراع دوم به خداوند اشاره دارد.

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم.

معنی: خداوند، شجاعتی به ما عطا کن که در راه تو جان خود را فدا کنیم.

آرایه‌های ادبی: کنایه: دل کنایه از شجاعت - جان باختن کنایه از جان فدا کردن

دستور زبان: «الهی» منادا است.

جانی ده که کار آن جهان سازیم.

معنی: جانی عطا کن که برای آخرت خویش کارهای شایسته انجام دهیم.

دستور زبان: «جان» و «کار آن جهان» مفعول هستند.

دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم.

معنی: به ما دانایی و علم بده تا از راه راست منحرف نشویم و بینایی و بصیرت بده تا خطا نکنیم و گرفتار گناه نشویم.

آرایه‌های ادبی: کنایه: از راه افتادن کنایه از منحرف شدن از مسیر درست - در چاه افتادن کنایه از گرفتار شدن

دستور زبان: «دانایی» و «بینایی» مفعول هستند.

دست گیر که دست‌آویز نداریم.

معنی: یاری کن که هیچ یاریگری جز تو نداریم.

آرایه‌های ادبی: کنایه: دست گرفتن: کنایه از کمک کردن / دست‌آویز: کنایه از یاری رساننده

دستور زبان: «دست» مفعول است. ❖ «گیر» فعل امر است. ❖ دست‌آویز مفعول است. ❖ دست‌آویز واژه غیرساده مرکب است.

توفیق ده تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.

معنی: کمک کن تا دین و ایمان ما محکم و استوار شود، خودت ما را حفظ و مراقبت کن تا سرگردان و آشفته نشویم.

دستور زبان: «توفیق» مفعول است. ❖ «استوار» و «پریشان» مسند هستند.

نکته: مناجات «خواجه عبدالله انصاری» نثر مسجع است. یعنی نثری است که در آن واژه‌های هم‌قافیه آورده می‌شود تا نوشته را آهنگین نماید. سجع

در این مناجات در این واژه‌ها وجود دارد: جان بازیم و جهان سازیم - دانایی ده و بینایی ده - از راه نیفتیم و در چاه نیفتیم.

پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

واژگان

۱. معنای واژه در کدام گزینه نادرست است؟
 - (۱) اساس: بنیاد
 - (۲) پریشان: آشفته
 - (۳) توفیق: توجه
 - (۴) مونس: یار
۲. متضاد واژه «ناموده» در کدام گزینه آمده است؟
 - (۱) دل از من برد و روی از من نهان کرد
 - (۲) عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند
 - (۳) تا تو با منی زمانه با من است
 - (۴) سر دل از زبان نشود هرگز آشکار
۳. کدام گزینه مترادف «عنایت» نیست؟
 - (۱) بخشایش
 - (۲) نیکو
 - (۳) لطف
 - (۴) احسان
۴. معنای واژه «الهی» در کدام گزینه متفاوت است؟
 - (۱) الهی چنان کن سرانجام کار
 - (۲) لطف الهی بکند کار خویش
 - (۳) حافظ، اسرار الهی کس نمی‌داند، خموش
 - (۴) تو دریای الهی، همه خلق چو ماهی
۵. مترادف واژه داخل پرانتز در کدام گزینه وجود ندارد؟
 - (۱) بدو گفت شاه، ای پسر شاد باش
 - (۲) عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
 - (۳) گل بی‌رخ یار خوش نباشد
 - (۴) لب خشک مظلوم را گو بخند
۶. کدام گزینه هم‌خانواده «مونس» نیست؟
 - (۱) انیس
 - (۲) آسان
 - (۳) مانوس
 - (۴) انس
۷. معنای واژه «روان» در کدام گزینه متفاوت است؟
 - (۱) ای یاد تو مونس روانم
 - (۲) ز آب روان و سبزه و صحرا و لاله‌زار
 - (۳) چنین پسر که تویی راحت روان پدر
 - (۴) بیا که در دل خسته توان درآید باز
۸. در مورد ابیات زیر کدام گزینه نادرست است؟

«ای هست کن اساس هستی
هم قصه ناموده، دانی

 - (۱) هم‌خانواده واژه «مؤسس» در ابیات وجود دارد.
 - (۲) در بیت اول دو واژه مخفف وجود دارد.
 - (۳) مفرد واژه «قصص» در ابیات موجود است.
 - (۴) «هست کن» به معنای «آفریننده» است.

املا

۹. املاي کدام گزینه نادرست است؟
 - (۱) قصه ناموده
 - (۲) ظلمت و نور
 - (۳) توفیع و سازگاری
 - (۴) مونس و رفیق

۱۰. در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دست آویز نداریم.
- (۲) ای هستکن اساس هستی
- (۳) هم تو به عنایت الاهی
- (۴) ای نام تو بهترین سرآغاز

کوته ز درت درازدستی
آنجا، قدمم رسان که خواهی
بی نام تو نامه کی کنم باز

آرایه‌های ادبی

۱۱. در کدام گزینه تشبیه دیده می‌شود؟

- (۱) ای یاد تو مونس روانم
- (۲) ای کارگشای هرچه هستند
- (۳) هم قصه نانموده، دانی
- (۴) هم تو به عنایت الاهی

جز نام تو نیست بر زبانم
نام تو کلید هرچه بستند
هم نامه نانوشته، خوانی
آنجا، قدمم رسان که خواهی

۱۲. دو آرایه ادبی موجود در بیت زیر در کدام گزینه نیز وجود دارد؟

- «از ظلمت خود رهایی‌ام ده
- (۱) نه هر آن چشم که بیند سیاه است و سپید
 - (۲) صبر هم سودی ندارد که آب چشم
 - (۳) ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
 - (۴) مجال خواب نمی‌باشم ز دست خیال

با نور خود آشنایی‌ام ده»
یا سیاهی ز سپیدی بشناسد بصر است
راز پنهان، آشکارا می‌کند
چشم بد از روی تو دور ای صنم
در سرای نشاید بر آشنایان بست

۱۳. در کدام گزینه کنایه وجود ندارد؟

- (۱) ای نام تو بهترین سرآغاز
- (۲) از ظلمت خود رهایی‌ام ده
- (۳) ای هستکن اساس هستی
- (۴) ای یاد تو مونس روانم

بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟
با نور خود آشنایی‌ام ده
کوته ز درت درازدستی
جز نام تو نیست بر زبانم

۱۴. در کدام گزینه کنایه وجود ندارد؟

- (۱) دانایی ده که از راه نیفتیم
- (۲) بینایی ده تا در چاه نیفتیم
- (۳) دست گیر که دست آویز نداریم
- (۴) نگاه دار تا پریشان نشویم

۱۵. در کدام گزینه استفهام انکاری وجود دارد؟

- (۱) ای نام تو بهترین سرآغاز
- (۲) ای یاد تو مونس روانم
- (۳) ای هستکن اساس هستی
- (۴) هم تو به عنایت الاهی

بی‌نام تو نامه کی کنم باز
جز نام تو نیست بر زبانم
کوته ز درت درازدستی
آنجا، قدمم رسان که خواهی

مفهوم

۱۶. بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

- «از ظلمت خود رهایی‌ام ده
- (۱) به کسی نگر که ظلمت بزدايد از وجودت
 - (۲) درونم را به نور خود برافروز
 - (۳) به فلک می‌رسد از روی چو خورشید تو نور
 - (۴) ولیکن چو ظلمت نداند ز نور

با نور خود آشنایی‌ام ده»
نه کسی نعوذبالله که در او صفا نباشد
زبانم را ثنای خود درآموز
قل هو الله احد، چشم بد از روی تو دور
چه دیدار دیوش، چه رخسار حور

۱۷. مفهوم کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) جان باختن: جان فدا کردن
- (۲) از راه نیفتیم: منحرف نشویم
- (۳) در چاه نیفتیم: نادان نشویم
- (۴) دست گیر: کمک کن

۱۸. بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- «هم قصه نانموده، دانسی
(۱) همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بیوشی
(۲) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
(۳) ز شرّ غیب کس آگاه نیست، قصه مخوان
(۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی»
- هم نامه نانوشته، خوانی
(۱) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
(۲) نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
(۳) کدام محرم دل ره در این حرم دارد
(۴) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۱۹. کدام گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- «ای کارکشای هرچه هستند
(۱) بسم الله الرحمن الرحيم
(۲) در باغ بهشت بگشودند
(۳) گر بیارند کلید همه درهای بهشت
(۴) دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است»
- نام تو کلید هرچه بستند
(۱) هست کلید در گنج حکیم
(۲) باد گویی کلید رضوان داشت
(۳) جان عاشق به تماشگاه رضوان نرود
(۴) بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی

۲۰. مفهوم بیت «ای هست کن اساس هستی / کوته ز درت درازدستی» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) ای خداوند بزرگ، دست ما به درگاهت نمی‌رسد.
- (۲) ای آفریننده جهان، در درگاه تو ظلم و ستم وجود ندارد.
- (۳) ای آفریدگار جهان هستی، دست ظالمان به درگاه تو نمی‌رسد.
- (۴) ای خداوند بنیاد هستی، در درگاه خود ظالمان را راه مده.

۲۱. منظور از «خود» در مصراع اول و دوم بیت زیر به ترتیب چیست؟

- «از ظلمت خود رهایی‌ام ده
(۱) انسان، خدا (۲) انسان، انسان
با نور خود آشنایی‌ام ده
(۳) خدا، خدا (۴) خدا، انسان

۲۲. منظور از «دلی ده» در عبارت زیر کدام است؟

- «الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم.»
(۱) مهربانی عطا کن (۲) شجاعت بده (۳) عشق عطا کن (۴) اخلاص بده

تاریخ ادبیات

۲۳. کدام گزینه در مورد نظامی گنجوی نادرست است؟

- (۱) شاعر و حکیم قرن ششم هجری قمری است.
- (۲) داستان‌پردازی در منظومه‌های او به اوج رسیده است.
- (۳) مخزن‌الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، اسکندرنامه و هفت اورنگ آثار او هستند.
- (۴) در جوانی به تحصیل ادب، قصص و تاریخ پرداخت.

۲۴. لقب خواجه عبدالله انصاری چیست و در چه قرن می‌زیسته است؟

- (۱) پیر هرات، ششم (۲) عارف الهی، ششم (۳) پیر هرات، پنجم (۴) عارف الهی، پنجم

۲۵. کدام گزینه در مورد خواجه عبدالله انصاری نادرست است؟

- (۱) مناجات‌نامه و الهی‌نامه آثار او هستند.
- (۲) به عربی و فارسی شعر می‌سروده است.
- (۳) نثر خواجه عبدالله، نثر آهنگین یا مسجع است.
- (۴) در جوانی به علوم دینی و ستاره‌شناسی پرداخت.

دستور زبان

۲۶. در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

- (۱) ای نام تو بهترین سرآغاز
- (۲) ای هست کن اساس هستی
- (۳) هم قصه نانموده، دانی
- (۴) هم تو به عنایت الهی

۲۷. نهاد در کدام گزینه، نادرست مشخص شده است؟

- (۱) ای نام تو بهترین سرآغاز
- (۲) ای یاد تو مونس روانم
- (۳) ای هست کن اساس هستی
- (۴) هم تو، به عنایت الهی

۲۸. در کدام گزینه مسند وجود ندارد؟

- (۱) ای نام تو بهترین سرآغاز (۲) کوتاه ز درت، درازدستی

۲۹. در بیت زیر به ترتیب نوع ساختمان واژه‌های غیرساده چیست؟

- «ای هست کن اساس هستی»
- (۱) مرکب، مشتق، مشتق - مرکب
 - (۲) مشتق - مرکب، مشتق، مشتق - مرکب
 - (۳) مشتق - مرکب، مرکب، مرکب
 - (۴) مرکب، مشتق، مرکب

۳۰. در کدام بیت هم فعل ماضی و هم فعل مضارع وجود دارد؟

- (۱) ای یاد تو مونس روانم
- (۲) ای هست کن اساس هستی
- (۳) ای کارگشای هرچه هستند
- (۴) هم تو به عنایت الهی

۳۱. در کدام گزینه منادا حذف شده است؟

- (۱) الهی، دلی ده که در کار تو جان بازییم.
- (۲) ای یاد تو مونس روانم
- (۳) ای کارگشای هرچه هستند
- (۴) ای هست کن اساس هستی

۳۲. در کدام گزینه ترکیب وصفی وجود ندارد؟

- (۱) ای هست کن اساس هستی
- (۲) ای نام تو بهترین سرآغاز
- (۳) هم تو به عنایت الهی
- (۴) هم قصه نانموده، دانی

بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟
کوتاه ز درت درازدستی
هم نامه نانوشته، خوانی
آنجا، قدمم رسان که خواهی

بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟
جز نام تو نیست بر زبانم
کوتاه ز درت، درازدستی
آنجا، قدمم رسان که خواهی

(۳) نام تو، کلید هرچه بستند (۴) جز نام تو نیست بر زبانم

کوتاه ز درت، درازدستی
(۲) مشتق - مرکب، مشتق، مشتق - مرکب
(۴) مرکب، مشتق، مرکب

جز نام تو نیست بر زبانم
کوتاه ز درت، درازدستی
نام تو کلید هرچه بستند
آنجا قدمم رسان که خواهی

جز نام تو نیست بر زبانم
نام تو کلید هرچه بستند
کوتاه ز درت، درازدستی

کوتاه ز درت، درازدستی
بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟
آنجا، قدمم رسان که خواهی
هم نامه نانوشته، خوانی

پاسخ‌های تشریحی

- ۱۶ < ۲ بیت سؤال و گزینه (۲) هر دو به این مفهوم اشاره دارند که مرا با نور معرفت خود آشنا کن.
- ۱۷ < ۳ در چاه افتادن کنایه از گرفتار شدن است.
- ۱۸ < ۱ بیت سؤال و گزینه (۱)، هر دو به این اشاره دارند که خداوند از هر چیز پنهانی، آگاه است.
- ۱۹ < ۱ بیت سؤال و گزینه (۱)، هر دو اشاره دارند به این که نام خداوند مانند کلید است. این مفهوم در سایر ابیات وجود ندارد.
- ۲۰ < ۲ منظور از «خود» در مصراع اول، انسان و در مصراع دوم، خداوند است.
- ۲۱ < ۱ منظور از «دل» در این عبارت، شجاعت و شهامت است.
- ۲۲ < ۲ «هفت اورنگ» اثر جامی و «هفت پیکر» اثر نظامی گنجوی است.
- ۲۳ < ۳ لقب خواجه عبدالله انصاری، پیر هرات و او عارف قرن پنجم است.
- ۲۴ < ۳ خواجه عبدالله انصاری به تحصیل نجوم و ستاره‌شناسی نپرداخته است.
- ۲۵ < ۴ فعل بیت گزینه (۲)، ناگذرا به مفعول است و مفعول ندارد. مفعول در سایر گزینه‌ها:
- (۱) نامه (۳) قصه، نامه (۴) قدمم
- ۲۶ < ۲ نهاد مصراع (۲) گزینه (۲) حذف شده است و «نام تو» متمم است. [چیزی] به‌جز نام تو بر زبانم نیست.
- ۲۷ < ۴ «نیست» در این مصراع، به معنای «وجود ندارد» و غیراسنادی است، بنابراین مسند ندارد.
- ۲۸ < ۱ هست‌کن: مرکب / هستی: مشتق / درازدستی: مشتق - مرکب
- ۲۹ < ۳ هستند ← مضارع / بستند ← ماضی
- ۳۰ < ۲ ای [خدا] که یاد تو مونس روانم [است] ← خدا، مناداست که حذف شده است.
- ۳۱ < ۱ ترکیب‌های وصفی در گزینه‌ها: (۲) بهترین سرآغاز (۳) عنایت الهی (۴) قصه نانموده / نامه نانوشته

- ۱ < ۳ «توفیق» به معنای سازگاری، موافقت و کمک کردن است.
- ۲ < ۴ «نانموده» به معنای «پنهان» است و متضاد آن، واژه «آشکار» در گزینه (۴) آمده است.
- ۳ < ۲ عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان
- ۴ < ۱ «الهی» در گزینه (۱) مناداست به معنای «خدای من» اما در سایر گزینه‌ها صفت است به معنای «خدایی».
- ۵ < ۴ مترادف واژه‌ها در گزینه‌ها:
- اساس: بنیاد / هستی: وجود / مونس: یار
- ۶ < ۲ «مونس» با واژه‌های انیس، انس و مأنوس هم‌خانواده است.
- ۷ < ۲ «روان» در گزینه (۲) به معنای «جاری و رونده» است، در حالی که در سایر گزینه‌ها معنای «روح و جان» دارد.
- ۸ < ۳ جمع واژه «قصه»، «قصص» است که به اشتباه در گزینه (۳) «قصاص» نوشته شده است.
- ۹ < ۳ «توفیق» املائی صحیح این واژه است.
- ۱۰ < ۱ صحیح غلط‌های املائی در گزینه‌ها:
- (۲) اساس هستی (۳) عنایت الهی (۴) سرآغاز
- ۱۱ < ۲ «نام تو» به «کلید» تشبیه شده است.
- ۱۲ < ۱ در بیت سؤال، دو آرایه ادبی تکرار و تضاد دیده می‌شود که هر دو در بیت گزینه (۱) نیز وجود دارند.
- تکرار: است / تضاد: سیاه و سپید - سیاهی و سپیدی
- ۱۳ < ۴ کنایه‌ها در گزینه‌ها:
- (۱) نامه باز کردن کنایه از کاری را آغاز کردن
- (۲) ظلمت کنایه از گناه و گمراهی
- (۳) درازدستی کنایه از ظلم و ستم
- ۱۴ < ۴ کنایه‌ها در گزینه‌ها: (۱) از راه افتادن ← منحرف شدن از راه راست
- (۲) در چاه افتادن ← گرفتار شدن
- (۳) دست گرفتن ← کمک کردن
- ۱۵ < ۱ «بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟» استفهام انکاری است یعنی همه کارها را فقط با نام تو آغاز می‌کنم.

فصل اوّل

زیبایی آفرینش

جهان، جمله فروغ روی حق دان حق اندروی زیبایی است پنهان

(شیخ محمود شبستری)

معنی: همه پدیده‌های جهان جلوه‌ای از نور وجود خداوند است (نمایانگر وجود عظمت خداوند است) و آن قدر وجود خداوند در تمام جهان پیداست که به چشم نمی‌آید و پنهان می‌ماند.

آرایه‌های ادبی: تضاد: پیدا و پنهان ❖ تکرار: حق

دستور زبان: نهاد مصراع اوّل (تو) حذف شده است. ❖ «دان» فعل امر است. ❖ «جهان» مفعول است. ❖ «حق» نهاد جمله دوم و «پنهان»، مسند آن است.

درس اول

زنگ آفرینش

افتتاحیه

✻ شعر «زنگ آفرینش» در قالب «چهار پاره» از سروده‌های دکتر قیصر امین‌پور است. شاعر، جنگل سبز را به کلاس انشایی تشبیه کرده است که هر کدام از پدیده‌ها و موجودات در انشای خود از آرزوها و خواسته‌هایشان می‌گویند. در این شعر آرایه «شخصیت‌بخشی» یا «تشخیص» بسیار به کار رفته است. حکایت «اندرز پدر» ما را به دوری و پرهیز از غیبت و بدگویی از دیگران، پند می‌دهد. این حکایت زیبا، از «گلستان» سعدی انتخاب شده است.

نام	قرن	آثار	نکات بیشتر
شیخ محمود شبستری	هشتم	* گلشن راز	* از عارفان مشهور و علما و فضایل شهر تبریز است. * او نوشته‌ها و سروده‌هایی در زمینه عرفان اسلامی دارد.
قیصر امین‌پور	معاصر	* در کوچه آفتاب * تنفس صبح * مثل چشمه مثل رود * به قول پرستو * آینه‌های ناگهان	* استاد دانشگاه و شاعر معاصر، در «گتوند» خوزستان متولد شد. * در «دزفول» دیپلم گرفت. در جامعه‌شناسی و پزشکی پذیرفته شد ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد و دکترای ادبیات گرفت. * وی از شاعران موفق پس از انقلاب به شمار می‌آید. * در ۱۳۳۸ متولد شد و در پاییز ۱۳۸۶ وفات یافت.
مشرف‌الدین سعدی شیرازی	هفتم	* بوستان (به شعر) * گلستان (نثر آمیخته به شعر) * دیوان اشعار	* آموزش‌های مقدماتی را در زادگاهش، شیراز، فراگرفت، سپس برای ادامه تحصیل به بغداد رفت. * از بغداد به قصد دانش‌اندوزی، به سرزمین‌های عربی سفر کرد و بعد از ۳۵ سال به شیراز بازگشت. * مجموعه آثار او را «کلیات سعدی» می‌نامند.

تاریخ ادبیات

واژگان

شعر ابتدای فصل	کلمه: همه	فروع: نور، روشنایی	زنگ آفرینش	غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان
شعر ابتدای فصل	کلمه: همه	فروع: نور، روشنایی	زنگ آفرینش	غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان
کلمه: همه	فروع: نور، روشنایی	زنگ آفرینش	غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان	
فروع: نور، روشنایی	زنگ آفرینش	غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان		
زنگ آفرینش	غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان			
غوغا: آشوب و فریاد، همه‌همه	انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان				
انگار: گویی، به نظر می‌رسد	دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان					
دژه‌دژه: کم‌کم، اندک‌اندک	ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان						
ابد: زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی	دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان							
دل‌تنگ: غمناک، اندوهگین	فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان								
فارغ: آسوده، راحت	رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان									
رهسپار: مسافر، راهی، روانه	افق: کرانه آسمان										
افق: کرانه آسمان											

واژگان املایی

شعر ابتدای فصل

فروغ روی حق، شیخ محمود شبستری

زنگ آفرینش

صبح روز نوبهاری - خوش حال - غوغا و همهمه - انگار - از گرد راه رسیدن - موضوع تازه - برخاستن و نشستن - دژه‌دژه - غلتیدن - ابد و همیشه - غنچه - نسیم بهار - بلبل باغ - راز و نیاز - فارغ و آسوده - رهسپار و مسافر - افق‌های دور - پیغمبر بهار - گلدسته و گنبد - زائر حرم - زنگ تفریح - زنجره - قیصر امین‌پور

حکایت: اندرز پدر

اندرز پدر - ایام طفولیت - متعبد و شب‌خیز - رحمة الله علیه - مصحف عزیز - طایفه و گروه - دوگانه گذاشتن - خواب غفلت - گویی نخفته‌اند - در پوستین خلق افتادن

نکته املایی

* تشخیص شکل صحیح حروف و درست‌نویسی از اهداف املاست.

* در هنگام نوشتن املا از به کار بردن واژه‌های «هم‌آوا» به جای یکدیگر پرهیز شود. واژه‌های «هم‌آوا» واژگانی هستند که نوشتار یا املای متفاوتی دارند اما یک‌جور خوانده می‌شوند.

خار: تیغ گیاه خوار: پست و بی‌ارزش	ثواب: پاداش صواب: راست و درست	قاضی: داور غازی: جنگجو	حیاط: محوطه حیات: زندگی
قضا: اتفاق غذا: خوراک غزا: جنگ	غالب: پیروز، برتر قالب: شکل	اساس: بنیاد، پایه اثاث: وسایل و لوازم	غریب: بیگانه، ناآشنا قریب: نزدیک
خان: بزرگ، ارباب، مرحله خوان: سفره	خویش: خود، فامیل خیش: گاواهن	سفر: مسافرت صفر: ماه دوم قمری	

از متن تا معنی

زنگ آفرینش

صبح یک روز نوبهاری بود روزی از روزهای اول سال

معنی: صبح یک روز از اوایل بهار بود.

آرایه‌های ادبی: تکرار: روز ❖ مراعات‌نظیر: سال، روز

بچه‌ها در کلاس بخجل سبز جمع بودند دور هم خوش حال

معنی: بچه‌ها در جنگل سبز که مانند کلاسی بود، دور هم با خوش‌حالی جمع شده بودند.

آرایه‌های ادبی: تشبیه: جنگل به کلاس تشبیه شده است.

دستور زبان: «خوش حال» و «دور هم» قید است.

بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

معنی: بچه‌ها مشغول گفت‌وگو بودند و همهمه و شلوغی در کلاس وجود داشت.

آرایه‌های ادبی: کنایه: گرم کاری بودن کنایه از مشغول کاری بودن

دستور زبان: «گرم گفت‌وگو» مسند است. ❖ «غوغا» نهاد مصراع دوم است. ❖ «بود» در مصراع دوم به معنای «وجود داشت» و غیراسنادی است.

هر یکی برگ کوچکی در دست باز انکار زنگ انشا بود

معنی: هر کدام برگ کوچکی در دست داشتند و به نظر می‌رسید که زنگ انشا است.

تا معلم ز کرد راه رسید
باز موضوع تازه‌ای داریم
گفت با چهره‌ای پر از خنده:
«آرزوی شما در آینده»

معنی: تا معلم از راه رسید با چهره‌ای خندان گفت که موضوع انشای تازه‌ای داریم: «آرزوی شما در آینده چیست؟»

آرایه‌های ادبی: کنایه: ز گرد راه رسیدن کنایه از تازه از راه رسیدن

دستور زبان: «موضوع تازه» ترکیب وصفی (موصوف و صفت) است. ❖ «باز» قید تکرار است.

شبنم از روی برگ گل، برخاست
دانه آسمان بروم
گفت: می‌خواهم آفتاب شوم
ابر باشم، دوباره آب شوم

معنی: شبنم از روی برگ گل بلند شد و گفت آرزو دارم مانند آفتاب آرام آرام به اوج آسمان بروم، به ابر تبدیل شوم سپس دوباره آب (باران) شوم و به زمین بازگردم.

آرایه‌های ادبی: تشخیص: به «شبنم» شخصیت انسانی داده شده است، زیرا برمی‌خیزد و سخن می‌گوید. ❖ مراعات‌نظیر: ابر، آفتاب، آسمان، آب، شبنم / گل و برگ ❖ تشبیه: شبنم می‌گوید، من می‌خواهم (مانند) آفتاب شوم

دستور زبان: بیت اول، چهار جمله است: شبنم از روی برگ گل برخاست (۱) گفت (۲) می‌خواهم (۳) آفتاب شوم (۴) ❖ «دانه» و «دوباره» قید هستند.

❖ «برخاست» و «گفت» فعل ماضی و «شوم»، «بروم» و «باشم» فعل مضارع هستند.

دانه آرام بر زمین غلتید
گفت: باغی بزرگ خواهم شد
رفت و انشای کوچکش را خواند
تا ابد سبز سبز خواهم ماند

معنی: دانه بر زمین غلت زد و انشای کوتاهش را خواند. او گفت که من باغی بزرگ می‌شوم و همیشه سبز و باطراوت می‌مانم.

آرایه‌های ادبی: تشخیص: شخصیت‌بخشی به «دانه» ❖ مراعات‌نظیر: دانه، باغ، سبز

دستور زبان: «تا» حرف اضافه و «ابد» متمم است. ❖ «خواهم شد» و «خواهم ماند» فعل آینده (مستقبل) هستند. ❖ «آرام» قید است.

غنچه هم گفت کرچه دل نکنم
با نسیم بهار و بلبل باغ
مثل لبخند باز خواهم شد
کرم راز و نیاز خواهم شد

معنی: غنچه هم گفت با این‌که اکنون اندوهگین و بسته هستم اما روزی مثل لبخند، شادمان می‌شوم و خواهم شکفت و با نسیم بهاری و بلبل باغ

مشغول صحبت و گفت‌وگو خواهم شد.

آرایه‌های ادبی: تشخیص: شخصیت‌بخشی برای غنچه، نسیم و بلبل ❖ تشبیه: غنچه مثل لبخند باز می‌شود. ❖ کنایه: گرم کاری شدن کنایه از مشغول

کاری شدن ❖ مراعات‌نظیر: نسیم، بهار، بلبل، باغ و غنچه

دستور زبان: «هم» قید است. ❖ «مثل» حرف اضافه و «لبخند» متمم است. ❖ «دل‌تنگ» و «باز» مسند هستند. ❖ «خواهم شد» فعل آینده و

اسنادی است و «گرم راز و نیاز» مسند است.

جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم
روی هر شاخه جیک‌جیک کنم
فارغ از سنگ بچم باشم
در دل آسمان رها باشم

معنی: جوجه گنجشک گفت آرزو دارم که از سنگ زدن بچه‌ها راحت و در امان باشم تا بتوانم به راحتی روی شاخه درختان آواز بخوانم و در آسمان،

آزادانه پرواز کنم.

آرایه‌های ادبی: تشخیص: شخصیت‌بخشی برای گنجشک ❖ مراعات‌نظیر: جوجه گنجشک و جیک‌جیک
دستور زبان: «فارغ» و «رها» مسند هستند.

جوجه کوچک پرستو گفت: کاش با باد رهپار شوم
تا افق‌های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

معنی: جوجه کوچک پرستو گفت: آرزو دارم همراه باد روانه شوم و تا کرانه آسمان و سرزمین‌های دور کوچ کنم تا با آمدن خود خبر رسیدن بهار را اعلام کنم.
آرایه‌های ادبی: تشخیص: شخصیت‌بخشی برای «جوجه پرستو»

دستور زبان: «کاش» شبه‌جمله آرزو است و یک جمله در شمارش تعداد جملات محسوب می‌شود.

جوجه‌های کبوتران گفتند: کاش می‌شد کنار هم باشیم
توی گلدسته‌های یک کنبه روز و شب زائر حرم باشیم

معنی: جوجه‌های کبوتران آرزو کردند که ای کاش همیشه در کنار هم در گلدسته‌های یک حرم مطهر (محل دفن بزرگان دینی و امامان (ع))، تمام روز و شبمان به زیارت مشغول باشیم.

آرایه‌های ادبی: مراعات‌نظیر: گلدسته، گنبد، حرم، زائر ❖ تشخیص: سخن گفتن جوجه‌های کبوتران ❖ تضاد: روز و شب
دستور زبان: «روز و شب» قید است.

زنگ تفریح را که زنجره زد
هر یک از بچه‌ها به سویی رفت
باز هم در کلاس غوغا شد
و معلم دوباره تنها شد

معنی: وقتی زنجره (سیرسیرک) با صدای خود زنگ تفریح را اعلام کرد، در کلاس دوباره همه‌ها و شلوغی اتفاق افتاد. هر کدام از دانش‌آموزان به سویی رفتند و معلم دوباره تنها ماند.

آرایه‌های ادبی: تشخیص: شخصیت‌بخشی به زنجره ❖ مراعات‌نظیر: کلاس، زنگ تفریح، معلم، بچه‌ها
دستور زبان: «زنجره» نهاد است. ❖ «تنها» مسند است.

با خودش زیر لب چنین می‌گفت: آرزوهایتان چه رنگین است!
کاش روزی به کام خود برید بچه‌ها، آرزوی من این است!

معنی: معلم آرام با خودش می‌گفت که چه آرزوهای زیبا و گوناگونی دارید! آرزوی من هم این است که شما به آرزوهایتان برسید.

آرایه‌های ادبی: کنایه: زیر لب گفتن کنایه از آرام گفتن / رنگین بودن آرزوها کنایه از زیبا و گوناگون بودن آرزوها

دستور زبان: «کاش» شبه‌جمله آرزو است و یک جمله محسوب می‌شود. ❖ «بچه‌ها» منادا و شبه‌جمله است و یک جمله محسوب می‌شود. ❖ «آرزوهایتان» نهاد و جمع است. اما فعل «است» مفرد است. اگر نهاد جمع غیرانسان باشد می‌توانیم از فعل مفرد استفاده کنیم.

حکایت: اندرز پدر

یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب‌خیز بودم.

معنی: یاد می‌آید که در روزگار کودکی شب‌ها بیدار می‌ماندم و خدا را بسیار عبادت می‌کردم.

دستور زبان: «متعبد» و «شب‌خیز» مسند هستند.

شبی در خدمت پدر، رحمة الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نیسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته.

معنی: یک شب در کنار پدرم، که خداوند رحمتش کند، نشسته بودم. تمام شب خوابیدیم و قرآن در دست داشتیم و مشغول عبادت بودیم در حالی که گروهی در کنار ما خوابیده بودند.

آرایه‌های ادبی: سجع: نشسته و نبسته / گرفته و خفته ❖ کنایه: دیده بر هم نبسته کنایه از خوابیدن

دستور زبان: بعد از «نبسته» و «گرفته» فعل «بودم» حذف شده است. ❖ بعد از «خفته» فعل «بودند» حذف شده است. ❖ «شبی»، «همه شب» و «گرد ما» قید هستند.

پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند.

معنی: به پدر گفتم: یک نفر از این گروه بیدار نمی‌شود که نماز صبح را به جای آورد. طوری در بی‌خبری و ناآگاهی خوابیده‌اند که انگار خوابیده‌اند بلکه به نظر می‌رسد مرده‌اند.

آرایه‌های ادبی: سجع: بر نمی‌دارد و بگزارد / برده‌اند و مرده‌اند ❖ تشبیه: غفلت به خواب تشبیه شده است ❖ کنایه: سر برداشتن کنایه از بیدار شدن

دستور زبان: «را» به معنای «به» و حرف اضافه و «پدر» متمم است: پدر را گفتم ← به پدر گفتم

گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق آفتی.

معنی: گفت: ای جان پدر، تو هم اگر می‌خوابیدی بهتر از آن بود که بیدار باشی و غیبت دیگران را بکنی.

آرایه‌های ادبی: کنایه: در پوستین خلق افتادن کنایه از غیبت کردن

دستور زبان: فعل «است» بعد از به (بهتر) حذف شده است / «به» مسند است.

درس‌نامه

جمله

به عبارتی که هر دو ویژگی زیر را داشته باشد جمله می‌گوییم:

(۱) معنا و مفهوم کاملی را منتقل کند.

(۲) نهاد و گزاره داشته باشد.

مثال: «زنگ تفریح را که زنگره زد»، در این جمله مفهوم کاملی منتقل می‌شود و «زنگره» نهاد و «زنگ تفریح را زد» گزاره است.

شبه جمله

شبه جمله: برخی از عبارت‌ها هستند که معنای کاملی را منتقل می‌کنند اما نهاد و گزاره ندارند. از این‌رو به آن‌ها «شبه جمله» می‌گویند.

برخی از انواع شبه جمله‌ها:

(۱) شبه جمله منادا: ای خدا، یا علی، سعدیا؛ گاهی منادا بدون نشانه ندا می‌آید. مثل: بچه‌ها، آرزوهایتان چه رنگین است!

(۲) شبه جمله امید و آرزو: کاش، ان‌شاءالله، آمین و ...

(۳) شبه جمله تشویق و تحسین: آفرین، بارک الله، احسنت و ...

(۴) شبه جمله درد و تأسف: دریغ، آه، افسوس، آو و ...

(۵) شبه جمله هشدار: مبادا، زنه‌ار، هان، هین و ...

(۶) شبه جمله قبول و رد: بله، خیر، آری، نه، چشم و ...

روش شمارش تعداد جمله

برای شمارش تعداد جملات در یک عبارت، ابتدا تعداد فعل‌ها، سپس تعداد فعل‌های حذف شده و بعد تعداد شبه جمله‌ها را می‌شماریم. مجموع این سه مورد تعداد جمله‌ها را به ما نشان می‌دهد.

نکته: دقت کنیم که مصدرها، فعل نیستند و نباید به جای افعال شمرده شوند.

مثال: من قدم زدن و کتاب خواندن را به همه کارها ترجیح می‌دهم.

در مثال بالا، «قدم زدن» و «کتاب خواندن» مصدر هستند یعنی نام عملی هستند و شخص و شمار و زمان ندارند، بنابراین نباید به عنوان فعل شمرده شوند.

مثال:

ایوان مدائن را آینه عبرت دان

(۶)

آه اگر از پس امروز بود فردایی

(۴) (۳)

هان! ای دل عبرت‌بین، از دیده عبر کن، هان

(۵) (۴) (۳) (۲) (۱)

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد

(۲) (۱)

خود ارزیابی

- ۱- چه کسانی در کلاس جنگل سبز، آرزوهای خود را مطرح کردند؟
- ۲- منظور شبینم از جمله «می خواهم آفتاب شوم» چیست؟
- ۳- اگر شما در جنگل سبز بودید، چه آرزویی داشتید؟

پاسخ خود ارزیابی

- ۱- شبینم، دانه، غنچه، جوجه گنجشک، جوجه پرستو و جوجه های کبوتران.
- ۲- یعنی می خواهم مانند آفتاب به اوج آسمان بروم.
- ۳- من به عنوان نویسنده این کتاب آرزو می کنم که مردم کشورم و همه مردم جهان در صلح و دوستی و آرامش زندگی کنند. شما، دانش آموز عزیز، آرزوی خود را بنویس.

فعالیت های نوشتاری

- ۱- واژه صحیح را با توجه به معنی جمله در جای خالی قرار دهید.
الف) مسلمانان دو ماه محرم و را گرامی می دارند. (سفر، صفر)
ب) هیچ کس او را نمی شناسد؛ او در اینجا است. (قریب، غریب)
- ۲- با حروف زیر چهار کلمه بنویسید که ارزش املائی داشته باشد.
■ م، ح، ر، ز، ت، ی

پاسخ فعالیت های نوشتاری

- ۱- الف) صفر (ماه دوم قمری) ب) غریب (ناآشنا)
- ۲- حرمت - تحریر - زحمت - تمیز - حرم - رحمت - مرحمت - ترحیم - محترم

پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

واژگان

۱. معنای واژه‌های «متعبد، اندرز، ابدی» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) عبادت‌کننده، پند، پایانی (۲) شکرگزار، پند، جاودان (۳) عبادت‌کننده، گفتار، همیشگی (۴) بندگی، نصیحت، جاودان
۲. کدام گزینه نادرست معنا شده است؟
 (۱) شب‌خیز: شب‌زنده‌دار (۲) غفلت: بی‌خبری (۳) طایفه: گروه (۴) افق: دور
۳. مفهوم واژه «دوگانه» در عبارت زیر چیست؟
 «از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد.»
 (۱) نماز صبح (۲) قرآن خواندن (۳) دعا کردن (۴) دوتایی
۴. کدام گزینه با بقیه مترادف نیست؟
 (۱) آشوب (۲) اضطراب (۳) همه‌مه (۴) غوغا
۵. مترادف واژه «کام» در کدام گزینه وجود ندارد؟
 (۱) گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
 (۲) جهان پیر است و بی‌بنیاد، از این فرهادکش فریاد
 (۳) جان بی‌جمال جانان، میل جهان ندارد
 (۴) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
 بسوختیم در این آرزوی خام و نشد
 که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
 هر کس که این ندارد، حقا که آن ندارد
 همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
۶. مترادف هر دو واژه مشخص‌شده در بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟
 «جهان جمله فروغ روی حق دان
 (۱) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو
 (۲) به فلک می‌رسد از روی چو خورشید تو نور
 (۳) منم امروز و تو انگشت‌نمای زن و مرد
 (۴) بعد از تو که در چشم من آید که به چشمم
 حق اندر وی ز پیدایی است پنهان»
 چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی
 قل هو الله احد چشم بد از روی تو دور
 من به شیرین‌سخنی، تو به نکویی مشهور
 گویی همه عالم ظلمات است و تو نوری
۷. کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟
 (۱) ایام (۲) طوایف (۳) طفولیت (۴) زوار
۸. در کدام گزینه دو واژه هم‌خانواده نمی‌باشند؟
 (۱) مصحف، صفحه (۲) افق، آفاق (۳) متعبد، معبود (۴) زائر، زیارت
۹. مترادف واژه‌های «پوستین، فارغ، مصحف» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) جامه، بی‌کار، دعا (۲) پوست گاو، آسوده، دعا (۳) پوست گاو، راحت، کتاب (۴) لباس، راحت، کتاب

املا

۱۰. در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟
 یاد دارم که در ایام تفولیت، متعبد و شب‌خیز بودم. شبی در خدمت پدر دیده بر هم نبسته و مسحف عزیز بر کنار گرفته و تایفه‌ای گرد ما خفته.
 (۱) ۳ (۲) ۲ (۳) ۴ (۴) ۵
۱۱. در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟
 (۱) جوجه گنجشک گفت: می‌خواهم
 (۲) تا افغ‌های دور کوچ کنم
 (۳) با نسیم بهار و بلبل باغ
 (۴) گفت: باغی بزرگ خواهم شد
 فارغ از سنگ بچه‌ها باشم
 باز پیغمبر بهار شوم
 گرم راز و نیاز خواهم شد
 تا ابد سبز سبز خواهم ماند

۱۲. در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد.
- (۲) چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی مرده‌اند.
- (۳) تو نیز اگر بخوفتی، به از آن که در پوستین خلق، افتی.
- (۴) جهان، جمله فروغ روی حق دان

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

۱۳. در کدام گزینه املای واژه مشخص شده برای جای خالی صحیح است؟

- (۱) کلید در دوزخ است آن نماز
 - (۲) بلبانیم یک نفس
 - (۳) خدای را که تواند شکر و سپاس
 - (۴) ندانستم که در پایان صحبت
- که در چشم مردم دراز (گزاری)
تا بنالیم در گلستانت (بگزار)
یکی منم که به مدحش کنم شکرباری (گذارد)
چنین باشد وفای حق (گذاران)

۱۴. در بیت‌های زیر، املای صحیح برای جاهای خالی به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) زنگ تفریح را که زد
(ب) توی گلدسته‌های یک گنبد
- (۱) زنجره، غوغا، زائر، حرم (۲) زنجره، غوغا، زاعر، حرم
(۳) زنجره، قوغا، زاعر، حرم (۴) ذنجره، قوغا، زائر، هرم

۱۵. در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) دانه آرام بر زمین غلتید
 - (۲) زره‌زره به آسمان بروم
 - (۳) تا معلّم ز گرده راه رسید
 - (۴) باز موزوع تازه‌ای داریم
- رفت و انشای کوچکش را خواند
ابر باشم دوباره آب شوم
گفت با چهره‌ای پر از خنده
«آرزوی شما در آینده»

۱۶. املای صحیح واژگان برای جاهای خالی به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) «هر که بیفتاد به تیرت،»
(ب) «اگر مراد تو ای دوست، بی‌مرادی ماست
- (۱) نخاست، خواست (۲) نخواست، خواست
(۳) نخواست، خاست (۴) نخاست، خاست
- وان که در آمد به کمندت نجست»
مراد خویش دگر باره من نخواهم»

آرایه‌های ادبی

۱۷. در کدام گزینه تشبیه وجود دارد؟

- (۱) توی گلدسته‌های یک گنبد
 - (۲) جوجه کوچک پرستو گفت:
 - (۳) بچه‌ها در کلاس جنگل سبز
 - (۴) جوجه گنجشک گفت می‌خواهم
- روز و شب، زائر حرم باشیم
کاش با باد رهسپار شوم
جمع بودند، دور هم خوش‌حال
فارغ از سنگ بچه‌ها باشم

۱۸. در کدام گزینه آرایه ادبی «مراعات‌نظیر» یا تناسب وجود دارد؟

- (۱) با خودش زیر لب چنین می‌گفت:
 - (۲) باز موضوع تازه‌ای داریم
 - (۳) غنچه هم گفت: گرچه دل‌تنگم
 - (۴) زنگ تفریح را که زنجره زد
- «آرزوهایتان چه رنگین است!»
«آرزوی شما در آینده»
مثل لبخند، باز خواهم شد
باز هم در کلاس غوغا شد

۱۹. در کدام گزینه مراعات‌نظیر وجود ندارد؟

- (۱) توی گلدسته‌های یک گنبد
 - (۲) کاش روزی به کام خود برسید،
 - (۳) با نسیم بهار و بلبل باغ
 - (۴) ذره‌ذره به آسمان بروم
- روز و شب، زائر حرم باشیم
بچه‌ها، آرزوی من این است!
گرم راز و نیاز خواهم شد
ابر باشم دوباره آب شوم

۲۰. در کدام گزینه آرایه «کنایه» دیده نمی‌شود؟

- (۱) توی گلدسته‌های یک گنبد
 - (۲) با خودش زیر لب چنین می‌گفت:
 - (۳) تا معلّم ز گرد راه رسید
 - (۴) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم
- روز و شب، زائر حرم باشیم
«آرزوهایتان چه رنگین است!»
گفت با چهره‌ای پر از خنده
مثل لبخند، باز خواهم شد

۲۱. در کدام گزینه تشخیص وجود ندارد؟

- ۱) با نسیم بهار و بلبل باغ
- ۲) تا معلّم ز گرد راه رسید
- ۳) دانه آرام بر زمین غلتید
- ۴) زنگ تفریح را که زنجره زد

۲۲. در بیت زیر کدام آرایه‌های ادبی وجود دارد؟

- «شبّیم از روی برگ گل برخاست»
- ۱) تشبیه، تشخیص، مراعات نظیر
 - ۲) تشخیص، مراعات نظیر، کنایه
 - ۳) تشبیه، مراعات نظیر، کنایه
 - ۴) تشخیص، کنایه، مراعات نظیر

۲۳. در کدام گزینه هر دو آرایه ادبی موجود در بیت زیر دیده می‌شود؟

- «توی گلدسته‌های یک گنبد»
- ۱) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی
 - ۲) از ظلمت خود رهایی‌ام ده
 - ۳) تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
 - ۴) بالادب باش که اندر همه جا یابی راه

۲۴. آرایه ادبی نوشته شده مقابل کدام گزینه، در آن وجود ندارد؟

- ۱) با نسیم بهار و بلبل باغ
 - ۲) صبح یک روز نوبهاری بود
 - ۳) گفت باغی بزرگ خواهم شد
 - ۴) هر یک از بچه‌ها به سویی رفت
- گرم راز و نیاز خواهم شد (کنایه)
روزی از روزهای اوّل سال (تکرار)
تا ابد سبز سبز خواهم ماند (مراعات نظیر)
و معلّم دوباره تنها شد (تضاد)

مفهوم

۲۵. مفهوم عبارت «در پوستین خلق افتادن» در عبارت زیر چیست؟

- «تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق، افتی.»
- ۱) تهمت زدن
 - ۲) غیبت کردن
 - ۳) قضاوت کردن
 - ۴) بداندیشی کردن

۲۶. مفهوم عبارت «از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد.» در کدام گزینه کامل‌تر آمده است؟

- ۱) یک نفر از این‌ها بیدار نمی‌شود تا نماز صبح بخواند.
- ۲) یکی سر بلند نمی‌کند تا دو کلام دعا بخواند.
- ۳) یک نفر بیدار نمی‌شود تا به دعا و مناجات بپردازد.
- ۴) یک نفر سجده نمی‌کند تا نماز صبح دیگران مورد قبول باشد.

۲۷. منظور «شبّیم» از عبارت «می‌خواهم آفتاب شوم» در دو بیت زیر چیست؟

- «شبّیم از روی برگ گل برخاست
دژه‌دژه به آسمان بروم»
- ۱) می‌خواهم مثل آفتاب گرم شوم.
 - ۲) می‌خواهم مثل آفتاب بر دریا بتابم.
 - ۳) می‌خواهم مانند آفتاب در اوج آسمان باشم.
 - ۴) می‌خواهم مثل آفتاب همه قطره‌ها را بخار کنم.

۲۸. مفهوم «رنگین بودن آرزوها» در بیت زیر چیست؟

- «با خودش زیر لب چنین می‌گفت:
۱) گوناگون بودن آرزوها ۲) زیبا بودن آرزوها»
- ۳) کودکانه بودن آرزوها ۴) گزینه‌های ۱ و ۲

۲۹. «از گرد راه رسیدن» به چه معناست؟

- ۱) خسته از راه رسیدن
- ۲) از راه دور آمدن
- ۳) تازه از راه رسیدن
- ۴) دیر رسیدن

تاریخ ادبیات

۳۰. «گلشن راز» اثر کیست و در چه قرنی سروده شده است؟
 (۱) سعدی، هفتم (۲) شیخ محمود شبستری، هفتم (۳) سعدی، هشتم (۴) شیخ محمود شبستری، هشتم
۳۱. کدام گزینه از آثار «قیصر امین پور» نمی باشد؟
 (۱) به قول پرستو (۲) دری به خانه خورشید (۳) تنفس صبح (۴) آینه های ناگهان
۳۲. کدام گزینه در مورد «قیصر امین پور» نادرست است؟
 (۱) در رشته های جامعه شناسی و پزشکی پذیرفته شد ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات پرداخت.
 (۲) در ۱۳۳۸ متولد شد و در پاییز ۱۳۸۶ درگذشت.
 (۳) «مثل چشمه، مثل رود» نام یکی از آثار اوست.
 (۴) موفقیت او برای شعرها و رمان های پس از انقلاب است.
۳۳. سعدی بوستان را به و گلستان را به نوشته است.
 (۱) شعر و نثر، شعر (۲) شعر، نثر (۳) نثر، شعر و نثر (۴) شعر، شعر و نثر

دستور زبان

۳۴. نقش دستوری واژه های مشخص شده به ترتیب کدام است؟
 «زنگ تفریح را که زنجیره زد هر یک از بچه ها به سویی رفت»
 (۱) نهاد، قید، مسند (۲) مفعول، قید، مسند (۳) مفعول، متمم، قید (۴) نهاد، متمم، قید
۳۵. در کدام گزینه قید وجود ندارد؟
 (۱) کاش روزی به کام خود برسید
 (۲) تا افق های دور کوچ کنم
 (۳) با نسیم بهار و بلبل باغ
 (۴) دانه آرام بر زمین غلتید
۳۶. تعداد جمله در کدام گزینه بیشتر است؟
 (۱) کاش روزی به کام خود برسید
 (۲) غنچه هم گفت گرچه دلتنگم
 (۳) جوجه گنجشک گفت: می خواهم
 (۴) گفت باغی بزرگ خواهم شد
۳۷. تعداد جملات کدام بیت نادرست مشخص شده است؟
 (۱) شبنم از روی برگ گل برخاست
 (۲) جوجه کوچک پرستو گفت
 (۳) روی هر شاخه جیک جیک کنم
 (۴) بچه ها در کلاس جنگل سبز
۳۸. تعداد «شبه جمله ها» در کدام گزینه بیشتر است؟
 (۱) جوجه های کبوتران گفتند
 (۲) جوجه کوچک پرستو گفت
 (۳) کاش روزی به کام خود برسید
 (۴) تا افق های دور کوچ کنم
۳۹. در کدام بیت «مسند» وجود ندارد؟
 (۱) شبنم از روی برگ گل برخاست
 (۲) گفت باغی بزرگ خواهم شد
 (۳) روی هر شاخه جیک جیک کنم
 (۴) تا معلّم ز گرد راه رسید
- باز هم در کلاس غوغا شد
 و معلّم دوباره تنها شد»
 (۱) مفعول، متمم، قید (۲) نهاد، متمم، قید
- بچه ها، آرزوی من این است
 باز پیغمبر بهار شوم
 گرم راز و نیاز خواهم شد
 رفت و انشای کوچکش را خواند
- بچه ها، آرزوی من این است
 مثل لبخند باز خواهم شد
 فارغ از سنگ بچه ها باشم
 تا ابد سبز سبز خواهم ماند
- گفت می خواهم آفتاب شوم (۴ جمله)
 کاش با باد رهسپار شوم (۲ جمله)
 در دل آسمان رها باشم (۲ جمله)
 جمع بودند دور هم، خوش حال (۱ جمله)
- کاش می شد کنار هم باشیم
 کاش با باد رهسپار شوم
 بچه ها، آرزوی من این است
 باز پیغمبر بهار شوم
- گفت می خواهم آفتاب شوم
 تا ابد سبز سبز خواهم ماند
 در دل آسمان رها باشم
 گفت با چهره ای پر از خنده

❖ با توجه به حکایت زیر، به سؤال‌های بعدی پاسخ دهید.

«اندرز پدر»

یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبد و شب‌خیز بودم. شبی در خدمت پدر، رحمة الله علیه، نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نیسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان، یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق افتی.

«گلستان سعدی»

۴۰. کدام گزینه ترکیب وصفی است؟
 (۱) خواب غفلت (۲) دوران طفولیت (۳) جان پدر (۴) مصحف عزیز
۴۱. چند فعل «ماضی بعید» در حکایت وجود دارد؟
 (۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴
۴۲. کدام گزینه مفعول نیست؟
 (۱) دوگانه (۲) پدر (۳) مصحف عزیز (۴) دیده
۴۳. کدام گزینه مسند است؟
 (۱) به (۲) دوگانه (۳) طفولیت (۴) مرده
۴۴. کدام گزینه شبه‌جمله است؟
 (۱) به (۲) جان پدر (۳) یاد دارم (۴) چنان
۴۵. کدام گزینه نهاد است؟
 (۱) یکی (۲) پدر (۳) مصحف (۴) طفولیت

پاسخ‌های تشریحی

- ۱۰ < ۱ واژه‌های «طفولیت، مصحف و طایفه» نادرست نوشته شده‌اند.
- ۱۱ < ۲ «افق» املاي درست این واژه است.
- ۱۲ < ۳ «بخفتی» نادرست نوشته شده است.
- ۱۳ < ۱ «گذاشتن» به معنی به جای آوردن و ادا کردن است.
 «گذاشتن» به معنی نهادن، قرار دادن و اجازه دادن است.
 در گزینه (۲)، «بگذار» به معنای اجازه بده، املاي صحیح است.
- ۱۴ < ۱ زنجره، غوغا، زائر و حرم املاي درست این واژگان هستند.
- ۱۵ < ۱ غلط‌های املايی در گزینه‌ها:
 (۲) دژه‌دژه (۳) گرد راه (۴) موضوع
- ۱۶ < ۱ هر که بیفتاد به تیرت نخاست (بلند نشد)
 مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست (طلب کردن)
- ۱۷ < ۳ «کلاس جنگل» اضافه تشبیهی است که جنگل را به کلاس تشبیه می‌کند.
- ۱۸ < ۴ «زنگ تفریح» و «کلاس» مراعات نظیر دارند.

- ۱ < ۲ متعبد: شکرگزار، عبادت‌کننده / اندرز: پند، نصیحت
 ابدی: جاودان، همیشگی
- ۲ < ۴ افق: کرانه آسمان
- ۳ < ۱ «دوگانه» در این عبارت به معنای «نماز صبح» است.
- ۴ < ۲ آشوب، همه‌همه و غوغا مترادف هستند.
- ۵ < ۲ «کام» به معنای میل، آرزو و خواسته است که واژه «آرزو» در گزینه (۱) و واژه «میل» در گزینه‌های (۳) و (۴) وجود دارد.
- ۶ < ۴ واژه «جمله» به معنای «همه» و واژه «فروغ» به معنای «نور و روشنی» است که هر دو مترادف، در گزینه (۴) وجود دارد.
- ۷ < ۳ «طفولیت» مفرد است اما سایر گزینه‌ها جمع هستند. ← ایام: ج، یوم، طوایف: ج، طایفه، زوار: ج، زائر
- ۸ < ۱ «مصحف» و «صفحه» هم‌خانواده نیستند. حروف اصلی واژه‌ها: مصحف (ص ح ف)، صفحه (ص ف ح)
- ۹ < ۴ پوستین: جامه، لباس از جنس پوست / فارغ: آسوده، راحت
 مصحف: کتاب، قرآن

۱۹ < ۲

مراعات نظیر در گزینه‌ها:

(۱) گلدسته، گنبد، زائر، حرم

(۳) نسیم، بهار، باغ، بلبل

(۴) آسمان، ابر، آب

۲۰ < ۱

کنایه‌ها در گزینه‌ها:

(۲) زیر لب گفتن، رنگین بودن آرزوها

(۳) ز گرد راه رسیدن

(۴) دل تنگ بودن

۲۱ < ۲

تشخیص در گزینه‌ها:

(۱) حرف زدن با نسیم و بلبل

(۳) انشا خواندن دانه

(۴) زنگ تفریح زدن زنجره

۲۲ < ۱

تشبیه: می‌خواهم مثل آفتاب شوم

تشخیص: سخن گفتن شب‌نم

مراعات نظیر: گل، برگ و شب‌نم

۲۳ < ۳

در بیت پرسش دو آرایه ادبی مراعات نظیر و تضاد وجود دارد.

تضاد: روز و شب / مراعات نظیر: گلدسته، گنبد، زائر

در بیت گزینه (۳) نیز این دو آرایه وجود دارد:

تضاد: خواب و بیدار / مراعات نظیر: بنفشه، نرگس

۲۴ < ۴

آرایه‌ها در گزینه‌ها:

(۱) کنایه: گرم کاری شدن

(۲) تکرار: روز

(۳) مراعات نظیر: باغ، سبز

۲۵ < ۲

«در پوستین خلق افتادن» کنایه از «غیبت کردن» است.

۲۶ < ۱

«دوگانه» در این عبارت به معنای نماز صبح است.

۲۷ < ۳

«می‌خواهم آفتاب شوم» یعنی می‌خواهم مانند آفتاب به اوج آسمان بروم.

۲۸ < ۴

«رنگین بودن آرزوها» کنایه از گوناگون و زیبا بودن آرزوهاست.

۲۹ < ۳

«از گرد راه رسیدن» کنایه از تازه از راه رسیدن است.

۳۰ < ۴

«گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری عارف قرن هشتم است.

۳۱ < ۲

«دری به خانه خورشید» اثر سلمان هراتی است.

۳۲ < ۴

موفقیت و شهرت قیصر امین‌پور برای رمان‌های او نیست بلکه به خاطر اشعار اوست.

۳۳ < ۴

سعدی بوستان را به شعر و گلستان را به شعر آمیخته با نثر نوشته است.

۳۴ < ۱

زنجره ← نهاد، باز هم ← قید، تنها ← مسند

۳۵ < ۳

قیدها در گزینه‌ها:

(۱) روزی (۲) باز (۴) آرام

۳۶ < ۱

تعداد جمله‌ها در گزینه‌ها:

(۱) ۴ جمله (۲) ۳ جمله

(۳) ۳ جمله (۴) ۳ جمله

۳۷ < ۲

گزینه ۲، سه جمله است.

جوجه کوچک پرستو گفت (۱) کاش (۲) با باد رهسپار شوم (۳)

۳۸ < ۳

«کاش» شبه‌جمله آرزو و امید و «بچه‌ها» شبه‌جمله منادا است.

۳۹ < ۴

در این بیت فعل اسنادی وجود ندارد که مسند داشته باشد.

۴۰ < ۴

سایر گزینه‌ها ترکیب اضافی هستند.

مصحف عزیزتر ← معنا دارد؛ پس ترکیب وصفی است.

مصحف، عزیز است ← معنا دارد؛ پس ترکیب وصفی است.

مصحفی عزیز ← معنا دارد؛ پس ترکیب وصفی است.

سایر گزینه‌ها در سه روش بالا بی‌معنا هستند. پس ترکیب اضافی هستند.

۴۱ < ۴

«نشسته بودم، نبسته بودم، گرفته بودم و خفته بودند» افعال ماضی بعید هستند.

ساختار ماضی بعید: بن ماضی + ه + بود + شناسه

۴۲ < ۲

«پدر» در هیچ جای حکایت مفعول نمی‌باشد.

پدر را گفتم ← به پدر گفتم ← «پدر» متمم است.

۴۳ < ۱

تو نیز اگر بخفتی، به [است] ← «به» مسند است.

۴۴ < ۲

«جان پدر» منادا و شبه‌جمله است.

۴۵ < ۱

«یکی» در جمله «یکی از اینان سر بر نمی‌دارد» نهاد است.